شهادت مأمور پلیس در شهرستان دیر

یکی از مأموران پلیس شهرستان دیر استان بوشهر در تصادف عمدی از سوی قاچاقچی کالا به شهادت رسید.

به گزارش «جوان»، سرهنگ جهانبخش طهماسبی، معاون اجتماعی پلیس بوشهر گفت: استوار دوم «محمدرضا مصیبی» از مأموران پلیس شهرستان دیر، در جریان اجرای طرح مقابله با قاچاق کالا، توسط یکی از خودروهای شوتی به عمد زیر گرفته شد و به شهادت رسید. مأموران پلیس شهرستان دیر، در جریان اجرای طرح مقابله با قاچاق کالا، اقدام به ایجاد ایستگاه بازرسی موقت در محور مواصلاتی دیر - بوشهر کرده بودند. در جریان اجرای طرح، چند دستگاه خودروی شوتی با مشاهده ایست بازرسی اقدام به فرار خلاف جهت کردند که در این میان یکی از این خودروها به‌صورت عمدی با استوار دوم محمدرضا مصیبی برخورد کرد و موجب شهادت وی شد. این خودروها پس از طی مسافتی، کالای قاچاق خود را تخلیه کردند و آتش زدند و از محل متواری شدند. پس از آن بود که عامل حادثه تحت تعقیب قرار گرفت و ساعتی بعد در شهرستان برازجان بازداشت شد. از شهید مصیبی یک فرزند دو ساله به یادگار مانده است.

ضربه ۳ هزار میلیارد تومانی به محتکران

رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا از کشف بیش از ۲هزار و ۸۸۸ میلیارد تومان کالای احتکاری در سراسر کشور و تشکیل ۲۰۳ پرونده قضایی علیه محتکران طی سه ماهه اخیر خبر داد.

به گزارش «جوان»، سردار حسین رحیمی با اشاره به اجرای طرح سراسری مقابله با مفسدان اقتصادی گفت: پلیس امنیت اقتصادی با رصد دقیق بازار و مقابله هدفمند با عوامل احتکار، مانع از ایجاد اخلال در امنیت روانی جامعه شده‌است.

وی افزود: در جریان اجرای این طرح، مقادیر زیادی از کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم از جمله ۱۷هزار دستگاه لوازم خانگی، ۱۱ هزار تن قند و شکر، ۱۱ هزار تن برنج، ۲ میلیون لیتر روغن، ۱۷۵تن فرآورده‌های گوشتی، هزار و ۴۰۰ تن حبوبات و همچنین دهها تن گندم، آرد و جو کشف و ضبط شده‌است.

سردار رحیمی ارزش ریالی این کالاها را بیش از ۲هزار و ۸۸۸ میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: در این رابطه ۲۰۳ فقره پرونده قضایی برای افراد و شبکه‌های متخلف تشکیل شده و مراحل پیگیری قانونی در حال انجام است.

فرمانده پلیس امنیت اقتصادی با تأکید بر اینکه این پلیس خود را خدمتگزار مردم در جبهه جنگ اقتصادی می‌داند، تصریح کرد: اجازه نخواهیم داد برخی فرصت‌طلبان با احتکار و انبار کالا، امنیت روانی جامعه را خدشه‌دار کنند.

وی از شهروندان خواست هرگونه گزارش مرتبط با احتکار و انبار غیرمجاز کالا را از طریق شماره ۰۹۶۳۰۰ به ستاد خبری پلیس امنیت اقتصادی اطلاع دهند.

قالب کردن برنج هندی جای ایرانی اعلا

مرد فریبکار که برنج‌های هندی و پاکستانی را در کیسه‌های برنج ایرانی بسته‌بندی و به بازار عرضه می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ حسین مهرعلیان، سرکلانتر پنجم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: مأموران پلیس بعد از دریافت گزارش‌هایی درباره خرید برنج‌های تقلبی در این باره تحقیق کردند. یکی از شاکیان گفت چند کیسه برنج که روی کیسه آن نوشته شده بود برنج ایرانی اعلا خریده، اما بعداً متوجه شده داخل کیسه، برنج پاکستانی نامرغوب است که شکایت دارد. مأموران پلیس با بررسی اطلاعاتی که شاکیان در اختیارشان گذاشتند، متهم را شناسایی و بازداشت کردند و در بازرسی از محل، ۲ تن برنج هندی و پاکستانی نامرغوب که در کیسه‌های برنج ایرانی بسته‌بندی شده بود، کشف کردند. متهم در بازجویی‌ها به کلاهبرداری به این شیوه اعتراف کرد.

خدمتکار انتقامجو، دی‌جی دزد و قاچاقچی اعدامی میهمان‌های تازه پلیس آگاهی!

■ غلامرضا مسکنی

در تازه‌ترین طرح مقابله با سارقان خشن، کارآگاهان پلیس آگاهی تهران موفق به بازداشت ۱۳۴ سارق در نقاط مختلف پایتخت شدند. در بین متهمان، چهره‌هایی با انگیزه‌هایی عجیب و پرونده‌هایی پرحاشیه به چشم می‌خورند، از مردی با سابقه اعدام گرفته تا زن خدمتکاری که برای انتقام دست به سرقت زد و خواننده مجالس عروسی که می‌خواست به لس‌آنجلس برود.

صبح دیروز ۱۳۴ سارق خشن و ۱۲ مالخر در محوطه پلیس آگاهی پایتخت برای خبرنگاران و عکاسان به صف شدند تا راز سرقت‌های آنها با قلم اصحاب رسانه فاش شود. این سارقان در آخرین دستگیری کارآگاهان پلیس آگاهی در ۲۴ ساعت گذشته به دام افتادند و اموال سرقتی آنها هم به نمایش گذاشته شد. در میان سارقان دستگیری شده سارقانی بدون سابقه کیفری و با سن ۱۸ سال هم دیده می‌شوند که برای به دست آوردن پول‌های باد آورده و رسیدن به رؤیاهای خیالی‌شان تازه وارد جرگه خلافکاران شده‌اند، اما مأموران پلیس رؤیاهای آنها را به باد دادند.

■ **کاهش ۵۰ درصدی جرائم**

سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ، در حاشیه طرح دستگیری ۱۳۴ سارق خشن گفت: «در یکی، دو روز گذشته با تلاش شبانه‌روزی همکاران در پلیس آگاهی، تعداد ۱۳۴ نفر از سارقان حرفه‌ای و ۱۲ نفر مالخر شناسایی و با هماهنگی دستگاه قضایی دستگیر شدند. در جریان تحقیقات اولیه، متهمان به سرقت‌های متعددی اعتراف کردند.»

رئیس پلیس آگاهی پایتخت ادامه داد: «در بازرسی از منازل و مخفیگاه‌های این افراد، مقادیر زیادی اموال مسروقه کشف و ضبط شده‌است. ارزش مالی این اموال بیش از ۴۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود. از جمله اقلام کشف‌شده می‌توان به ۲۰ دستگاه خودرو، حدود ۲۵ دستگاه موتورسیکلت، مقادیر قابل توجهی طلا و جواهرات، ۲۸۵ دستگاه گوشی تلفن همراه و پنج قبضه سلاح جنگی اشاره کرد.»

وی در پاسخ به این سؤال که در جنگ ۱۲ روزه میزان سرقت‌ها چه تغییری داشت، اظهار کرد: با توجه به حضور همکارانم در سطح شهر و گشت‌های همه پلیس‌های تخصصی، سرقت از همه زمان‌ها کاهش بیشتری داشت و ۵۰ درصد کاهش وقوع جرم داشتیم. همچنین سارقانی که در این مدت دستگیر شده‌اند، به شدت با آنها برخورد شد.

کینه‌ای که به دزدی ختم شد

زن جوانی که به اتهام سرقت طلا و اشیای قیمتی از خانه‌هایی که در آنها به‌عنوان خدمتکار مشغول به کار بود، بازداشت شده، مدعی است انگیزه‌اش پول نبوده، بلکه کینه‌ای قدیمی بوده که سال‌ها در دل داشته‌است. این زن پیش از این نیز یک‌بار به جرم سرقت بازداشت شده‌بود.

خودت را معرفی کن؟

فریبا هستم، ۴۰ ساله

متأهلی؟

بله، شوهر و بچه دارم.

شوهرت همدستت است؟

نه او بی‌گناه است. او را اشتباهی گرفتند.

چرا اشتباهی گرفتند؟

طلاهای سرقتی را در خانه‌مان کشف کردند و شوهرم را هم بازداشت کردند.

به چه شیوه‌ای سرقت می‌کردی؟

من به عنوان خدمتکار در خانه‌ها مشغول به کار و حین کار متوجه محل نگهداری اموال قیمتی‌شان می‌شدم و در فرصت مناسب آنها را بر می‌داشتم و از آنجا بیرون می‌آمدم. البته من بیشتر طلا، زیورآلات و پول نقد سرقت می‌کردم. گاهی هم اموال کوچک گرانقیمت را هم سرقت می‌کردم.

چه شد که تصمیم به سرقت گرفتی؟

انگیزه سرقت‌های من بر می‌گردد به چند سال قبل. باور کنید من هم مثل افراد دیگر دنبال یک لقمه نان حلال بودم و اصلاً به دزدی فکر نمی‌کردم و با همه سختی و مشکلات اقتصادی می‌ساختم، اما چند سال قبل در خانه‌ای کار می‌کردم که مقداری از طلاهای زن صاحبخانه گم شد. او به من تهمت دزدی زد و هر چقدر قسم و آیه خوردم قبول نکرد. از من شکایت کرد و آش نخورده و دهن سوخته تهمت دزدی به من زدند. به هر حال مجبور شدم پول قرض کنم و به شاکی بدهم. پس از این حادثه از صاحبخانه‌ها کینه به دل گرفتم و تصمیم گرفتم تلافی کنم.

پول زیادی از سرقت به جیب زدی؟

نه. اول اینکه پول حرام برکت ندارد و همان طوری که سریع به دست می‌آید، مثل باد هم از دست می‌رود. دوم هم اجناس سرقتی را به قیمت اصلی نمی‌خرند و باید زیر قیمت بدهی تا بخرند، چون معمولاً خریدار متوجه می‌شود اموال سرقتی است؛ مثلاً در یکی از سرقت‌ها من شمش طلایی سرقت کردم و وقتی برای فروش به طلافروشی بردم، فهمید و گفت این شمش متعلق به خودت نیست. مجبور شدم شمش را نصف‌نصف کنیم. از این دست موارد همیشه بوده و هست.

همه اموال سرقتی را می‌فروختی؟

نه. بعضی اموال را در خانه نگهداری می‌کردم و همین موضوع هم باعث شد شوهرم به عنوان همدستم دستگیر شود.

چه شد که راز سرقت‌هایت بر ملا شد؟

مدتی قبل به عنوان خدمتکار در خانه‌ای مشغول به کار شدم. پس از چند بار رفت و آمد به خانه‌شان محل نگهداری طلاهای آنها را پیدا کردم و در فرصتی مناسب سرقت کردم. صاحبخانه وقتی متوجه شد به من شک کرد و به کلانتری رفت و شکایت کرد. مأموران پلیس هم در بررسی‌ها متوجه شدند پس از خارج شدن من از خانه آنها طلاها گم شده و مرا بازداشت کردند. وقتی بازداشت شدم، فهمیدند که سرقت‌های دیگری هم انجام داده‌ام.

چند مورد سرقت انجام دادی؟

پنج شاکی دارم. شاکیان همه صاحبخانه‌هایی هستند که قبلاً در خانه‌شان کار کرده‌بودم.

سرقت‌های مردی که یک‌بار از چوبه دار برگشته‌بود

فرشاد، مردی با چهره‌ای آرام در گوشه‌ای از حیاط پلیس آگاهی در میان دیگر متهمان ایستاده‌است. وی یکی از متهمان دستگیرشده در آخرین طرح مقابله با جرائم خشن است. متهم که شب‌ها در خیابان‌های زعفرانیه و ولنجک پرسه می‌زد، چشم به تاکسی‌های فرودگاه داشت و گوش به صدای چمدان‌هایی که روی آسفالت کشیده می‌شد. او در کمین برای سرقت چمدان مسافران بود که به دام افتاد.

فرشاد چه شد که تصمیم به سرقت مسلحانه گرفتی؟

همه‌چیز از بیماری پسر دو ساله‌ام شروع شد. دچار صرع شد و هزینه درمانش از توان من خارج بود. کار درست و حسابی نداشتم، دستمزدی هم که می‌گرفتم خرج چند روز زندگی‌مان نمی‌شد. هر روز می‌دیدم حال بچه‌ام بدتر می‌شود و من هیچ کاری از دستم برنمی‌آید. این شد که کم‌کم فکر سرقت به سرم افتاد. تصور می‌کردم خیلی زود پولدار می‌شوم و برای هزینه بیماری فرزندم مشکل مالی پیدا نمی‌کنم.

یعنی هر کسی فرزندش بیمار بود، باید سرقت مسلحانه انجام دهد؟

اشتباه کردم.

اما شما سابقه قاچاق‌فروشی هم داری؟

بله، ۱۰ سال قبل به جرم حمل مواد مخدر بازداشت شدم. البته برای من پاپوش درست کردند. آن مواد مال من نبود و یکی از دوستانم که رقیب عشقی‌ام بود، داخل خودروی من جاسازی کرد و به پلیس خبر داد.

چقدر مواد بود؟

رقیب عشقی‌ام ۱۰ کیلو موادمخدر شیشه داخل خودرویم جاسازی کرد.

تصور می‌کنی کسی حرفت را باور کند؟

نه، دادگاه هم حرف مرا باور نکرد و مرا به اعدام محکوم کرد، اما پس از مدتی عفو خوردم و حکمم به حبس ابد تبدیل شد. در نهایت حبس ابدم به ۱۰ سال حبس تقلیل یافت و پس از تحمل حبسم آزاد شدم.

حکم اعدام برایت عبرت نشد؟

گفتم که به خاطر گرفتاری و بیماری فرزندم بود.

کجا و چطور طعمه‌هایت را انتخاب می‌کردی؟

در محله‌های شمال شهر مثل زعفرانیه، ولنجک و اطراف آن کمین می‌کردم و منتظر تاکسی‌های فرودگاهی می‌ماندم. مسافرانی که تازه از خارج آمده بودند یا قصد بازگشت داشتند، معمولاً پول نقد زیادی همراه داشتند؛ یورو و دلار. وقتی مسافر جلوی خانه‌اش پیاده می‌شد و راننده می‌رفت، وارد عمل می‌شدم. با اسلحه جلو می‌رفتم و تهدیدشان می‌کردم. معمولاً مقاومت نمی‌کردند. چمدان و پولشان را می‌گرفتم و سریع فرار می‌کردم.

در این مدت چه تعداد سرقت انجام دادی؟

فکر کنم چهار یا پنج مورد سرقت کردم که جنگ شد و پروازهای خارجی لغو شد. منتظر ماندم تا شرایط عادی شود و دوباره مسافران به ایران برگردند و سرقت‌هایم را ادامه دهم که شناسایی و دستگیر شدم.

چطور شناسایی شدی؟

وقتی کلیپ یکی از سرقت‌هایم در فضای مجازی پخش شد، عکسم برای شناسایی در روزنامه‌ها چاپ شد که چند روز قبل یکی از همسایه‌ها مرا شناسایی کرد و به پلیس خبر داد.

فکر نمی‌کردی دستگیر شوی؟

واقعیتش نه. تصور می‌کردم مالباخته‌ها به خاطر اینکه مسافر هستند و به زودی دوباره به خارج بر می‌گردند، وقت ندارند که شکایت و پیگیری کنند.

اسلحه را از کجا تهیه کردی؟

از یکی از دوستانم امانت گرفتم، البته قصد شلیک نداشتم و فقط می‌خواستم طعمه‌هایم را بترسانم.

رؤیای لس‌آنجلس با دستبند پایان یافت

بهراد که بین دوستانش به «میلاد خارجی» معروف است، می‌خواست راهی لس‌آنجلس شود و رؤیای خواننده‌شدن را دنبال کند، اما مسیرش از استیج به زندان کشیده شد. حالا او در بازداشت است، به اتهام سرقت از خانه‌های پایتخت. نامزدش نیز در این ماجرا با او همراه بود؛ او وظیفه فروش طلاهای سرقتی را بر عهده داشت.

به چه جرمی دستگیر شدی؟

سرقت منازل.

سابقه داری؟

نه، اولین‌باری است که دستگیر شدم.

چرا سارق شدی؟

رؤیای رفتن به لس‌آنجلس را داشتم. می‌خواستم با پول‌های باد آورده راهی لس‌آنجلس شوم. شهر رؤیاهایم بود و شب و روز نمی‌شناختم و تصمیم گرفتم برای رفتن به آنجا دست به هر کاری بزنم.

به همین دلیل معروف به میلاد خارجی هستی؟

من خواننده مجالس عروسی هستم و همیشه رؤیای رفتن به خارج، به‌ویژه لس‌آنجلس را در سر داشتم. می‌گفتم آنجا معروف می‌شوم، آهنگ‌هایم شنیده می‌شود. کم‌کم همه به من می‌گفتن «میلاد خارجی». همین رؤیا و معروف‌شدن به خارجی زندگی‌ام را تباه کرد و الان به جای اینکه برای خوانندگی روی استیج بروم باید پشت میله‌های زندان باشم.

با چه روشی وارد خانه‌ها می‌شدی؟

بعضی وقت‌ها از طریق بالکن طبقات بالا وارد می‌شدم، گاهی هم با شاه‌کلید در آپارتمان‌ها را باز می‌کردم. دنبال طلا، پول نقد و وسایل کوچک و قیمتی بودم که راحت بشود جابه‌جا کرد. سعی می‌کردم کار تمیز انجام شود.

اموال دزدی را چه می‌کردی؟

کار فروش طلاها با نامزدم بود. اون بلد بود چطور بدون شک برانگیز شدن طلاها را بفروشد، اما دلارها را نگه می‌داشتیم. نقشه‌مان این بود پولمان به حد کافی برسد و بعد از ایران برویم، اما خب، به آنجا نرسیدیم، پلیس زودتر از ما رسید.

الان که بازداشت شدی، پشیمانی؟

خیلی پشیمان هستم. تمام رؤیاهایم بر باد رفت. اگر بلندپروازی نمی‌کردم، شاید در ایران هم می‌توانستم معروف شوم و خوانندگی کنم.

یادداشت

چرخه معیوب بازداشت و آزادی سارقان

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

پایتخت همواره با معضل ساختاری سرقت مواجه است. پلیس در برخورد با این معضل عملیات‌های بسیاری صورت می‌دهد و سارقان بسیاری بازداشت می‌شوند و در جریان این عملیات‌ها، مأموران پلیس هم به شهادت می‌رسند، با این حال این پرسش پرتکرار مطرح است که باوجود تلاش‌های صورت گرفته چرا احساس امنیت حاصل نمی‌شود؟ پاسخ به این پرسش نه در خیابان‌های شهر، بلکه در لایه‌های پنهان‌تری از مدیریت شهری، سیاست کیفری و مشارکت اجتماعی پنهان است. روشن است متوقف شدن چرخه سرقت صرفاً با برخورد پلیس حاصل نمی‌شود. تجربه در این باره مشخص می‌کند هر گاه پلیس سارقان را بازداشت می‌کند، مجرمان دیگری جای آنها را پر می‌کنند و چرخه جرم فعال می‌ماند. گزارش‌های پلیس نشان می‌دهد عمده سارقان دارای سوابق سرقت هستند و بعد از هر بار دستگیری دوباره به چرخه جرم برمی‌گردند. در چنین شرایطی وقتی مجرم بدون بازدارندگی مؤثر و بدون پیگیری دقیق قضایی به خیابان برمی‌گردد، پیام امنیتی مخدوش می‌شود.

پایتخت با حدود ۱۴ میلیون جمعیت ثابت و شناور، ۲۰ میلیون سفر روزانه درون شهری و شکاف‌های اجتماعی عمیق، سال‌های زیادی است کانون اصلی سرقت کشور است، به‌گونه‌ای که عمده سارقان از شهرهای دور و نزدیک راهی تهران می‌شوند و با دست پر به خانه برمی‌گردند. از شهروندانی که با احساس ناامنی در شهر تردد می‌کنند، کسانی که نگران سرقت وسایل نقلیه‌شان هستند، افرادی که از ترس سرقت منازلشان سفر نمی‌کنند، کسبه‌ای که نگران سرقت اموالشان هستند تا سرقت شدن اموال عمومی از ساختمان‌های دولتی و خیابان‌ها نشانه‌هایی از یک شکاف عمیق میان «اقدامات پلیسی» و «احساس عمومی امنیت» است. در چنین شرایطی طرح‌های مقابله با سرقت پلیس، ماهیتی مقطعی و موضعی دارند. در جریان طرح‌ها شماری از سارقان دستگیر و باندهای سازمان‌یافته متلاشی می‌شود اما از آنجایی که ریشه‌های جرم از بین نرفته است، سارقان تازه‌نفس جای خالی دستگیرشدگان را پر می‌کنند. بنابراین در نبود راهبرد پایدار برای کنترل چرخه تولید جرم، اقدامات پلیس هرچقدر هم مؤثر باشد آرامبخشی موقتی برای جراحت مزمن ناامنی است.

پلیس تأکید دارد بخش قابل توجهی از سارقان دستگیرشده، سابقه‌دار هستند و پیش‌تر نیز بازداشت شده‌اند. این وضعیت، در افکار عمومی نوعی احساس ناکارآمدی در روند مقابله با جرم ایجاد می‌کند؛ گویا نظام عدالت کیفری، گرفتار چرخه‌ای معیوب از بازداشت و آزادی مجرمان شده است. مشاهده دوباره چهره‌های آشنا از سارقان سابقه‌دار در محله‌ها، آن هم تنها چند روز پس از دستگیری، به‌طور جدی اعتماد مردم به اثربخشی سازوکارهای امنیتی و قضایی را تضعیف می‌کند. در این میان، فقدان برخورد قاطع و مؤثر با تکرار جرم، حلقه مفقوده‌ای است که در زنجیره تأمین امنیت عمومی باید هرچه سریع‌تر بازسازی شود. امنیت فقط به معنای نبود جرم نیست، بلکه به معنای حضور روانی اعتماد، آرامش و پیش‌بینی‌پذیری در فضاهای عمومی است. احساس امنیت با حضور پلیس، نظم‌پذیری شهری، نورپردازی معابر، عدالت کیفری سریع و همدلی حاکم بر سیستم انتظامی تقویت می‌شود. ممکن است جرم کاهش یافته باشد، اما اگر مردم همچنان احساس کنند در خیابان‌ها رها شده‌اند، احساس امنیتی ایجاد نمی‌شود.

شهادت مأموران پلیس در راه تأمین امنیت نباید در هیاهوی روزمره فراموش شود. با این حال، برای آن‌که این ایثار ثمر دهد، پلیس به همکاری همه‌جانبه دیگر ارکان حاکمیتی نیاز دارد؛ از پشتیبانی قضایی و روایتگری رسانه‌ها گرفته تا مشارکت فعال شهروندان و بازنگری در راهبردهای مقابله با جرم. مقابله مؤثر با سرقت، تنها در بازداشت مجرمان خلاصه نمی‌شود، بلکه نیازمند خشکاندن ریشه‌های بازتولید جرم، بازگرداندن احساس امنیت به فضای شهری و برجسته‌سازی فداکاری‌های نیروهای پلیس است. مردم همانند پلیس نیاز دارند اطمینان یابند امنیت واقعی در جامعه جریان دارد.

هشدار پلیس تهران درباره افزایش سوانح مرگبار موتورسواران

رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران نسبت به افزایش تصادف‌های منجر به فوت موتورسواران هشدار داد.

سرهنگ جوانبخت به «جوان» گفت: ۴۷ درصد تصادف‌های منجر به فوت در بزرگراه‌های تهران مربوط به موتورسواران است. وی ادامه داد: ۶۹درصد از تصادف‌های منجر به جرح هم مربوط به موتورسواران است. وی با بیان اینکه بیشتر جانباختگان حوادث جوانان هستند، ادامه داد: ۵درصد از قربانیان زیر ۱۸ سال، ۲۴ درصد ۱۸ تا ۲۵ سال، ۳۰ درصد ۲۵ تا ۳۵ سال، ۱۹درصد ۳۵ تا ۴۵ سال، ۹ درصد ۴۵ تا ۵۵ سال، ۹ درصد ۵۵ تا ۶۵ سال و ۴ درصد هم بالای ۶۵ سال سن دارند. وی با ابراز نگرانی نسبت به بی‌توجهی راکبان موتورسیکلت به رعایت قانون ادامه داد: بسیاری از موتورسواران به رعایت اصول ایمنی توجه ندارند و از سوی دیگر، شرایط خاص بزرگراه‌ها از جمله سرعت بالا و خلوتی برخی مسیرها در ساعات مشخص، محیطی نامناسب برای تردد ایمن این وسایل نقلیه ایجاد کرده، از همین‌رو لازم است موتورسواران با دقت و احتیاط بیشتری در بزرگراه‌ها تردد کنند.

شرور مسلح به دام پلیس افتاد

پلیس اطلاعات پایتخت از دستگیری شرور مسلح در محله دیلمان خبر داد.

به گزارش «جوان»، مأموران پلیس اطلاعات تهران بعد از دریافت گزارش‌های مشابه اهالی محله دیلمان شمالی درباره فعالیت‌های مجرمانه یکی از اشرار مسلح در این باره تحقیق کردند. بررسی‌ها نشان داد متهم از اوباش سابقه‌دار است که با همدستی نوچه‌هایش با یکی دیگر از اوباش درگیر شده و باعث وحشت مردم و تخریب اموال عمومی شده‌اند. با کامل شدن تحقیقات، مأموران متوجه شدند متهم از ترس متواری شده است که مخفیگاه وی را در شهرستان تالش استان گیلان شناسایی و او را با شلیک گلوله به پایش بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به شرارت‌های خود اعتراف کرد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۷۱۸۰۰۰۰۴۶۷ - ۱۴۰۴/۰۳/۲۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اداره ۳ اهواز تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای فاضل غزلاوی فرزند بهادر به شماره شناسنامه ۱۷۴۳۳۸۵۹۸۶ صادره از اهواز در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۴۶۱/۸۱ متر مربع در قسمتی از پلاک ۷۷ فرعی از ۱۵۷۹ باقیمانده واقع در بخش ۳ اهواز به نشانی کریشان خیابان پنجم جنب سپنتا خریداری شده از مالک رسمی آقای لفته دلف لویمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵
شناسه: ۱۹۶۹۲۲۸
فرهاد نصرت‌اله - رئیس ثبت اسناد و املاک